

تشریح شخصیت دونالد ترامپ از طریق سبک ارتباطی: بزرگنمایی، غیر رسمی بودن و پویایی

**Explaining Donald Trump via
communication style:
Grandiosity, informality, and dynamism**
Sara Ahmadian
Sara Azarshahi
Delroy L. Paulhus
University of British Columbia, Canada 2016

■ مترجم سمیه خردیار
دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی

تشریح شخصیت دونالد ترامپ از طریق سبک ارتباطی

چکیده

چگونه «دونالد ترامپ» بر رقبای باتجربه‌تر خود در انتخابات مقدماتی چیره شد؟ ما انتظار داشتیم پاسخ، ریشه در سبک ارتباطی وی داشته باشد، تا جزئیات خط مشی او. از این رو، ما سخنرانی‌های معارفه‌ای، نه رقیب جمهوری خواه برتر در اکتبر سال ۲۰۱۵ را تحلیل کردیم. ما ۲۷ سخنرانی را برای هر یک، روی کاغذ پیاده‌سازی کردیم و از پرسش‌نامه زبان‌شناختی «بنه بیکر» و شمارش واژه (LIWC) استفاده کردیم که نرم‌افزار تحلیل متن با استفاده از رایانه است. ما همچنین تحلیل‌های شنیداری موارد ضبط شده سخنرانی را انجام دادیم و آن‌ها را برای بزرگنمایی به وسیله رتبه‌دهندگان آموزش دیده (اما کور) کدگذاری کردیم.
ترامپ بالاترین امتیاز را در زمینه:

۱. رتبه بزرگنمایی
۲. استفاده از ضمائر شخصی اول شخص
۳. دینامیک بیشتر در افت و خیز صدا
۴. ارتباط آگاهانه (شامل استفاده توییتری تمام ۱۷ نامزد) را به خود اختصاص داد. با تعداد انتخابات مقدماتی برنده شده به عنوان معیار، نتایج ما نشان داد که ترامپ از تمام جنبه‌های سبک برقراری ارتباط پویای انتخاباتی بهره برده است. همچنان باید بررسی شود، آیا همین ویژگی ارتباطی به موفقیت در انتخابات عمومی کمک خواهد کرد.

واژگان کلیدی

سبک برقراری ارتباط، غیر کلامی، بزرگنمایی سیاسی.

مدیریت
سیاست

شماره ۲۹
فروردین ۹۶

۶۷

مقدمه

مقایسه تجربی نقش نسبی محتوا و سبک، نسبت به تأثیر سیاسی دارای سابقه طولانی در روانشناسی است. هر دو جنبه کلامی و غیر کلامی سبک، به طور مستقیم در ارتباط با تسلط اجتماعی هستند. به جای بستری منحصر به فرد، چنین عوامل دارای سبکی ممکن است موفقیت غافلگیرکننده دونالد ترامپ در برد نامزدی حزب خود برای ریاست جمهوری را توضیح دهند. تحقیق حاضر، به بررسی نوع عواملی می‌پردازد که ترامپ را به برد سوق دادند و این که چگونه در نهایت آن‌ها او را به برد نامزدی جمهوری خواهان هدایت کردند.

سخنرانی‌های پویش انتخاباتی، اطلاعات کلیدی در مورد محتوا و سبک برقراری ارتباط در اختیار رأی‌دهندگان قرار می‌دهد. اطلاعات مرتبط را می‌توان از کاربرد واژه، سبک آوایی و رسانه اجتماعی دسته‌بندی کرد. جهت مستند ساختن چنین اطلاعاتی، ما سخنرانی‌های پویش نه‌نامزد جمهوری خواهان از جمله دونالد ترامپ را بر روی کاغذ آوردیم. سخنرانی‌ها روی کاغذ پیاده‌سازی شده و برای بزرگنمایی، کاربرد واژه غیر رسمی و سبک آوایی ارزیابی شدند. ما همچنین آمار استفاده از توییتر را برای تمام ۱۷ نامزد مشخص نمودیم. موفقیت پویش انتخاباتی به وسیله تعداد انتخابات مقدماتی برده شده و تاریخ ترک رقابت مشخص می‌شود.

بزرگنمایی

اگرچه در کل ناهنجار و خلاف قاعده تلقی می‌شود، خودشیفتگی در ارتباط با موفقیت در حوزه‌هایی نظیر رهبری، مصاحبه‌های شغلی، صنعت تفریح و سرگرمی و تعاملات ابتدایی با سایرین است. با این حال، ساخت خودشیفتگی دارای چندین بعد با عناصر هنجار و ناهنجار است. مهم‌ترین آن‌ها تمایز بین بزرگنمایی و خودشیفتگی قابل ملاحظه است.

در بین سیاستمداران فعلی، عده کمی بر سر این مطلب در حال مناقشه هستند، که دونالد

ترامپ معیار بزرگنمایی است. سبک وی در معرفی خودش ویژگی و جایگاهی خاص را در صنعت سرگرمی (نمایش تلویزیونی، کارآموز) و جهان مالی ساخت. با این حال، این پرسش باقی است که آیا بزرگنمایی به موفقیت سیاسی یاری می‌رساند یا مانع آن می‌شود. تحقیق قبلی نشان داد که خودشیفتگی موردنظر مورخان در ارتباط با رهبری فرمند، عملکرد کلی و خلاقیت در بین رؤسای جمهور ایالات متحده است. با این حال، نتایج مطالعه اخیر نشان داد که رؤسای جمهور ایالات متحده، سطوح بالایی از بزرگنمایی و نه خودشیفتگی قابل ملاحظه را بروز می‌دهند.

در این‌جا، ما بزرگنمایی رقبای جمهوری خواه را ارزیابی می‌کنیم، و این که آیا این حالت در ارتباط با موفقیت در انتخابات مقدماتی سال ۲۰۱۶ بود. در عین حال، تحقیق واتر و همکارانش از رتبه جامع رؤسای جمهور ایالات متحده بر طبق سوابق و رتبه سخنرانی‌های پویش نامزدهای فعلی استفاده کرد، که به دنبال شاخص‌های زبان‌شناختی سبک بزرگنمایی بودند.

تحقیق قبلی نشان داد، که نشانه‌های بزرگنمایی را می‌توان در کاربرد واژه از سوی فرد یافت. یک شاخص بالقوه تمایل به استفاده از ضمائر اول شخص است. به عنوان یک شاخص دقیق، این امر نشانه زبان‌شناختی از خود محور بودن است. با این حال، مرور اخیر مطالب از سوی «کری» و همکارانش به این نتیجه رسید که ارتباط بین استفاده از ضمیر اول شخص و امتیازها بر اساس پرسش‌نامه شخصیت خودشیفته (NPI) پیچیده و ضعیف به نظر می‌رسد. حتی اگر مرتبط با (NPI) نباشد، استفاده از ضمیر اول شخص از سوی ناظران نشان‌دهنده شخصیت متکبر و غیر ایمن تفسیر می‌شود. از این رو، ما رتبه‌بندی ناظران، در مورد بزرگنمایی و تعداد ضمائر اول شخص را جمع‌آوری کردیم. ما فرض کردیم: الف) دونالد ترامپ سطوح بالاتری از شاخص‌ها

مدیریت

شماره ۲۹
فروردین ۹۶

۶۸

رای دهندگان و رسانه گشوده‌اند. با وجودی که فیسبوک اجتماعی است، توئیتر قصد دارد تا موضوع محور باشد. بدون محدودیت، می‌توان سریع طبق تمایل در هر ساعت از شبانه‌روز نظر داد. از این رو، استفاده از توئیتر رسانه برتر برای ارتباط سیاسی شده است.

به علاوه، تعداد توئیتهای هر نامزد برای تحقیق در دسترس است. مطالعات بر روی ارتباط بین استفاده از توئیتر و نتایج انتخابات با موفقیت و شکست مواجه شده است. بر اساس گزارش‌های خبری، ما پیش‌بینی کردیم که آمار کاربرد مناسب، استفاده گسترده ترامپ از توئیتر را تأیید خواهد کرد. بر اساس برتری و فضیلت تحقیقات قبلی، ما ارتباط کلی استفاده از توئیتر را با موفقیت اولیه در بین ۱۷ نامزد جمهوری خواه پیش‌بینی کردیم.

مشخصه‌های آوایی

• اوج و فرود متوسط صدا

در نهایت، ما تحلیل مشخصه‌های صدای نامزد را بویژه، اوج و فرود متوسط و تغییر آن را انجام دادیم. تحقیق قبلی نشان داد که سیاستمداران با صداهای جذاب‌تر و مطلوب‌تر از افرادی با صداهای کمتر جذاب و گیرا دیده می‌شوند. به بویژه، صداهایی با اوج و فرود کمتر، در مردان جذاب‌تر و مسلط‌تر قضاوت می‌شوند. در حقیقت، «تیگ» و همکارانش دریافتند که شنوندگان به سیاستمدارانی با صداهای دارای اوج و فرود کمتر بیش از سایرین رأی می‌دهند. به اختصار، دوست داشتنی بودن، تسلط و اولویت سیاسی متعاقب با صدای دارای اوج و فرود کمتر ارتباط دارند. به دلیل رفتار مسلطش، ما فرض کردیم که ترامپ اوج و فرود کمتری را نسبت به رقبایش نشان داد.

• تغییر اوج و فرود صدا

به شکل بالقوه، موارد دارای قدرت و نفوذ در دینامیک گفتار تفاوت دارند. تحقیق قبلی نشان داد که تغییر اوج و فرود با دینامیک و شخصیت برون‌گرا ارتباط دارد. با توجه به «براون»، «استرانگ» و «رنچر» آن‌ها که آوای

را نسبت به سایر نامزدها نشان می‌دهد؛ و (ب) موفقیت کلی اولیه در ارتباط با هر دو شاخص بزرگنمایی خواهد بود.

غیر رسمی بودن

مثال کلاسیک از مهارت زبانی بسیار فصیح «آدلای استیونسون» است، که دو انتخابات ریاست جمهوری را با اختلاف زیاد از دست داد؛ بر خلاف این که به لحاظ فکری نسبت به رقبایش برتر تلقی می‌شود. موفق‌ترین سیاستمداران آگاه هستند که رأی‌دهندگان فصاحت ساده را به بلاغت کلام پیچیده ترجیح می‌دهند. با این حال، تنها تعدادی از مطالعات تجربی دارای مهارت زبانی بررسی شده در موفقیت نامزد ریاست جمهوری بودند. در یک مثال، نامزدها تصمیم گرفتند تا پیچیدگی کلام خود را در طی فصل انتخابات کاهش دهند. به علاوه، این کاهش مهارت زبانی کیفیت اختصاص یافته به رهبران موفق تلقی می‌شود. همچنین، «سودفلد» و «فرانک» نشان دادند که رهبران موفق، مهارت زبانی کمتری را نشان می‌دهند؛ در حالی که به دنبال قدرت هستند، اما پس از کسب قدرت مهارت زبانی بیشتری را نشان می‌دهند. از سوی دیگر، تحقیق از سوی «کانوی» و همکاران نشان داد که رابطه بین مهارت زبانی و موفقیت نامزد، مستقیم نیست. مورد هر چه باشد، هر دو سطح مبنا و تغییر مهارت زبانی اهمیت دارند.

• غیر رسمی بودن (LIWC)

(LIWC) امتیازدهی به متغیر مختلف مرتبط با سطح رسمی بودن را امکان‌پذیر می‌سازد، (برای مثال، طول واژه، واژه‌های تحلیلی). بر اساس اهمیت شواهد قبلی، ما فرض کردیم که (الف) رابطه مثبتی بین رسمی بودن و موفقیت نامزد وجود خواهد داشت؛ و (ب) ترامپ بالاترین امتیاز را بر اساس غیر رسمی بودن کسب خواهد کرد.

• استفاده از توئیتر

رسانه‌های اجتماعی، نظیر توئیتر، راهی به سوی روش‌های غیر رسمی‌تری از برقراری ارتباط با

صدای خود را تغییر می‌دهند جذاب‌تر دیده شده و مطلوب‌تر تلقی می‌شوند. همچنین، «دی گروت» و «گوتی» دریافتند، بیشتر احتمال دارد که مصاحبه‌شوندگانی که اوج و فرود صدای خود را تغییر می‌دهند، دارای شخصیت مثبت استنباط شوند. این مورد با موفقیت مصاحبه‌شونده ارتباطی بی‌پایان دارد. بیشتر تحقیقات نشان می‌دهند، رابطه مثبت بین تغییر اوج و فرود صدا و موفقیت مصاحبه وجود دارد. شواهد بسیاری ما را به این پیش‌بینی سوق دادند که دونالد ترامپ، دینامیک قوی‌تر اوج و فرود صدا را نسبت به سایر نامزدهای جمهوری خواه نشان خواهد داد و موفقیت اولیه با دینامیک اوج و فرود صدا ارتباط دارد.

روش

• نامزدها و سخنرانی‌ها

ما سخنرانی‌های اولیه پویش انتخاباتی نه نامزد برتر جمهوری خواه ریاست جمهوری را تجزیه و تحلیل کردیم.

«دونالد ترامپ»، «تد کروز»، «جان کاسیچ»، «بن کارسون»، «جب بوش»، «مارکو روبیو»، «ریک پری»، «لیندزی گراهام» و «مایک هاکابی». ویدئوی سخنرانی‌ها از یوتیوب دانلود شد. جهت به حداقل رساندن تأثیرات دینامیک ناهنجار پوشش، ما هر سخنرانی جهت معرفی اولیه نامزد و دو سخنرانی اولیه وی را انتخاب کردیم. معیارها برای انتخاب دو سخنرانی دیگر از این قرار بودند:

الف) آن‌ها باید برای دانلود به صورت آنلاین در دسترس باشند.

ب) شامل حداقل ۳۰ دقیقه سخنرانی پیوسته باشند، که با پرسشی قطع نشده باشد. اگر ویدئو شامل یک مصاحبه علاوه بر سخنرانی ۳۰ دقیقه‌ای باشد، بخش‌هایی از مصاحبه حذف می‌شود.

این ۲۷ سخنرانی سپس به وسیله دو دستیار تحقیق آموزش دیده روی کاغذ پیاده‌سازی شدند.

سخنرانی‌ها به طور میانگین ۳۷ دقیقه و ۳۸ ثانیه بودند. برای آنکه مدت آن‌ها برای کدگذاری مناسب باشد، هر سخنرانی به دو بخش مساوی تقسیم شد. از این رو، هر نامزد شش بخش سخنرانی داشت، که در مجموع به ۵۴ بخش می‌رسید. دو متغیر از سخنرانی‌ها کدگذاری شدند: «بزرگنمایی» و «غیر رسمی بودن»، که در ادامه ببینید.

بزرگ‌نمایی

• رتبه‌دهی ناظر

متن تمام ۲۷ سخنرانی برای بزرگنمایی از سوی سه کدگذار کور، کدگذاری شدند. مراحل مختلف در نظر گرفته شدند، تا از هر نوع گرایش و استنباط با توجه به حزب سیاسی و نامزدهای خاص اجتناب شود. به شکل مؤثر، کدگذارها نسبت به فرضیه‌ها و نامزدها کور بودند. به این منظور، تمام اطلاعات شخصی از سخنرانی‌ها حذف شدند: برای مثال، نمونه‌هایی که نامزدها به خودشان ارجاع می‌دادند یا شامل نام خانوادگی آن‌ها بود. به علاوه، هر ارجاعی از حزب سیاسی دموکرات به حزب اپوزیسیون تغییر یافت و هر ارجاعی به حزب خود نامزد (حزب جمهوری خواه) به حزب خود نامزد تغییر یافت. همچنین، هر ارجاعی به نامزدهای رقیب از هر حزب به نامزد حزب اپوزیسیون یا نامزد رقیب همان حزب تغییر یافت.

در عین حال، ما مطلع شدیم که رقابت ریاست جمهوری ایالات متحده، کاملاً در رسانه‌ها پوشش داده می‌شود. از این رو، پتانسیلی برای کدگذار کور وجود دارد، تا بتواند اسامی نامزدها را از سخنرانی آن‌ها (به ویژه ترامپ) حذف کند. از این رو، به کدگذارها گفته شد، که سخنرانی‌های پیاده‌سازی شده از نامزدهای رقیب بودند، که برای آنکه نخست وزیر بریتانیا شوند، رقابت کردند. همچنین، ما اطلاعات مرتبط با کشور آمریکا را (نظیر اسامی شهرها، شرکت‌ها یا شبکه‌های خبری) با معادل بریتانیایی آن‌ها جایگزین کردیم. با توجه به حداقل پوشش انتخابات حزبی بریتانیا

مدیریت

شماره ۲۹
فروردین ۹۶

۷۰

شامل دسته‌های فرعی نظیر واژه‌های موهن، گویش موجز (در انگلیسی BTW, LOL, THX)، موافقت (موافقم، بسیار خوب یا بله)، عدم سلیسی (ER, HM, UMM) یا پرکننده کلام (منظورم این است یا می‌دانی) بود. متغیر تفکر تحلیلی مشتق از الگوریتمی است که مشخص می‌کند، چند بار فرد از واژه‌هایی استفاده می‌کند، که نشان‌دهنده الگوهای تفکر سلسله مراتبی، منطقی و رسمی هستند. افرادی که امتیاز بالایی به این متغیر می‌دهند، تمایل دارند تا از زبانی استفاده کنند که متمرکز بر تجارب شخصی و فعلی هستند. هر یک از این چهار متغیر استانداردسازی و تلفیق شده تا ترکیب غیر رسمی بودن را شکل دهند.

• استفاده از توییت

به یاد دارید که استفاده از توییت را در نظر گرفتیم، تا سبک غیر رسمی و محاوره‌ای ارتباط را نشان دهیم. تمام صفحات توییت، نامزدها برای تعداد کلی توییت‌ها، در طی سه ماه پیش از اعلام کاندیداتوری خود برای ریاست جمهوری کدگذاری شدند. اگرچه سایر رتبه‌های توییتی در دسترس بودند، ما تنها توییت‌های پیش از اعلام کاندیداتوری را به عنوان بیانگرترین سبک ارتباط طبیعی در نظر گرفتیم، که به مبارزه پویش، آلوده نشده بودند. بار دیگر، دو نوع تحلیل انجام شد. ما نرخ برقراری ارتباط با توییت‌ها را با ۱۶ رقیبش مقایسه کردیم. جهت ارزیابی هر نوع ارتباطی با موفقیت، تعداد توییت‌ها به تعداد رقابت‌های اولیه‌ای ربط داده شدند، که از سوی هر نامزد برده شدند.

کیفیت و ویژگی آوایی

۲۷ سخنرانی از طریق برنامه PRAAT اجرا شدند. PRAAT قادر به تحلیل، ترکیب و دستکاری سخنرانی است و در بین مستندترین و پایاترین برنامه، با بیش از ۵۰۰۰ کاربر از ۱۰۰ کشور قرار دارد. مقایسه اخیر چندین برنامه نشان داد که PRAAT با توجه به دقت برای تولید حروف صدادار ترکیبی و ساده

در آمریکای شمالی، کدگذاران بر این باور بودند سیاستمدارانی را رتبه‌بندی می‌کنند که با آن‌ها آشنایی ندارند. سپس، هنگامی که کدگذاران مجبور شدند، در این رابطه گمانه‌زنی کنند، یک رتبه‌دهنده گزارش کرد که یک مورد هدف مانند دونالد ترامپ سخن گفته است. این رتبه‌بندی کدگذار به کار نرفت، دو رتبه‌بندی دیگر، استانداردسازی و تلفیق شدند.

ما به کدگذاران آموزش دادیم، تا یک بند و پاراگراف را به عنوان یک بزرگنمایی کدگذاری کنند، اگر شامل خودستایی بود. اقدام به خودستایی به عنوان صحبت با غرور زیاد و رضایت از خویشتن در مورد دستاوردها، داشته‌ها یا توانایی‌ها تعریف شد. برای مثال، «من بسیار ثروتمند هستم» به عنوان یک خودستایی ساده تلقی می‌شود در حالی که «من واقعاً ثروتمند هستم و خودرویی بسیار نفیس دارم، که از طلا پوشیده شده است» به عنوان دو اقدام خودستایی تلقی می‌شود. تعداد چنین اقداماتی جمع شده و تعداد کلی برای هر بخش سخنرانی ثبت می‌شود.

• بزرگنمایی (LIWC)

جهت مشخص نمودن شاخص‌های زبان‌شناختی بزرگنمایی، تمام ۵۴ متن سخنرانی از طریق برنامه تحلیل متن به نام بررسی زبان‌شناختی و شمارش واژه (LIWC) بررسی شدند. همان طور که قبلاً اشاره شد، متغیر (LIWC) که بیشترین ارتباط را با بزرگنمایی دارد، استفاده از ضمیر اول شخص مفرد بود که شامل من، مال من است.

غیر رسمی بودن

• شاخص‌های (LIWC)

برنامه (LIWC) همچنین شاخص‌های زبان‌شناختی از سخنرانی رسمی و بزرگنمایی فراهم کرد. چهار متغیر انتخاب شدند تا غیر رسمی بودن را در مقایسه با مهارت زبانی مشخص کنند، و تفکر تحلیلی، رسمی بودن، واژه‌ها در هر جمله و واژه‌هایی با کمتر از ۶ حرف را شامل می‌شدند. دسته غیر رسمی،

تطبيق یافته و اجرا شدند.

$$r = 0.75, p < 0.01.$$

• غیر رسمی بودن

به یاد دارید که غیر رسمی بودن با دو ترکیب متنوع مشخص شد: ترکیب چهار متغیر مرتبط LIWC (آلفا = ۰,۷۸) و نرخ استفاده از توییت. طبق انتظار، دو ترکیب رابطه بالایی داشتند ($r = 0.70$). در مقایسه با سایر نامزدهای جمهوری خواه، دونالد ترامپ امتیاز به شدت بالاتری در زمینه غیر رسمی بودن LIWC داشت ($t(52) = 7.79, p < 0.001$) و استفاده از توییت ($t(16) = 14.8, p < 0.01$) داشت. به علاوه، غیر رسمی بودن LIWC رابطه مثبتی با موفقیت داشت، $r = 0.82, p < 0.01$ همان طور که نرخ توییت ها داشت: $r = 0.85, p < 0.001$.

• تجزیه و تحلیل صدا

هر مورد میانگین اوج و فرود صدای نامزد با میانگین گیری ۴۰ بخش از تمام ۳ ویدئو محاسبه شد. ترامپ میانگین بالاتری نسبت به هشت نامزد دیگر نشان نداد و این با فرضیه ما، در تضاد بود. برای نشان دادن تغییرپذیری اوج و فرود صدا، ما انحراف معیار میانگین اوج و فرود صدا در بین ۱۲۰ بخش سخنرانی هر نامزد را محاسبه کردیم. ترامپ بالاترین امتیاز را کسب کرد. در واقع تغییرپذیری بیشتر اوج و فرود صدا را نسبت به میانگین هشت نامزد دیگر نشان داد ($t(25) = 3.08, p = 0.005$). در بین نامزدها، تغییرپذیری اوج و فرود صدا رابطه بالایی با موفقیت داشت $r = 0.78, p < 0.02$

بحث

نتایج ما تأیید می کنند، که دونالد ترامپ در بین نامزدهایی قرار داشت که برای حزب جمهوری خواه کاندید شدند. او بالاترین امتیاز را در پنج مورد از شش عامل پیش بینی کننده مفروض موفقیت در بین رأی دهندگان، طرفدار جمهوری خواهان کسب کرد. سخنرانی های ترامپ بزرگنمایی بیشتر، غیر رسمی بودن کمتر و دینامیک بیشتر را نشان داد. در این راستا، موفقیت ترامپ در رقابت با رقبای با تجربه ترش کمتر غافلگیرکننده به نظر رسید.

جهت دستیابی به میانگین اوج و فرود صدا و واریانس آن، هر ویدئو باید هر کدام به ۴۰ بخش تصادفی تقسیم شوند. جهت کاهش تأثیرات تشویق مخاطب یا فریاد آن ها در تحلیل اوج و فرود صدا، هر ۷,۵ بخش مرور و بازبینی شد تا اطمینان حاصل شود که شامل مشارکت مخاطب نبوده و صرفاً متمرکز بر صحبت های نامزد بوده است.

نتایج

دو نوع تحلیل برای هر یک از شش عامل پیش بینی کننده اجرا شد، یعنی دو مورد برای هر موضوع. یک تحلیل شامل متمایز ساختن ترامپ از نامزدهای جمهوری خواه بود: بدین منظور، ما سخنرانی های ترامپ و استفاده وی از توییت را با میانگین استفاده سایر نامزدها مقایسه کردیم. نوع دوم تحلیل هر متغیر پیش بینی کننده را با موفقیت اولیه ربط داد. معیارهای ما برای موفقیت الف) تعداد حالات برد و ب) نظم و ترتیبی بود که در آن رقابت را ترک می گفتند. ما تنها نتایج برای رقابت های مقدماتی را گزارش کردیم که در آن ها برنده شدند: الگوی نتایج برای ترتیب ترک رقابت مشابه بود، اما پیوستگی کمتری داشتند.

• بزرگنمایی

در مقایسه با رقبایش، سخنرانی های دونالد ترامپ بالاترین رتبه را در بزرگنمایی داشته و به شکل چشمگیری بالاتر از میانگین سایر نامزدهای جمهوری خواه رتبه بندی شدند. $t(52) = 6.18, p < 0.001$ بر اساس استفاده از ضمیر اول شخص مفرد، ترامپ همچنین بالاترین رتبه را کسب کرد و به شکل چشمگیری بالاتر از میانگین هشت نامزد دیگر جمهوری خواه را به خود اختصاص داد $t(52) = 3.41, p < 0.001$ در بین تمام نامزدها، بزرگنمایی رابطه چشمگیری با موفقیت داشت، $r = 0.83, p = 0.003$ اما استفاده از ضمیر اول شخص چندان اهمیتی نداشت، $r = 0.57$ دو شاخص بزرگنمایی رابطه زیادی داشتند

مدیریت

شماره ۲۹
فروردین ۹۶

۷۲

ما از موردی حمایت می‌کند که نشانه‌های شخصیت و اولویت سیاسی را می‌توان از کاربرد واژه انتخاب کرد.

• غیر رسمی بودن (شاخص‌های LIWC): استفاده از ضمیر اول شخص

تحلیل ما از کاربرد واژه بیشتر روند غیر رسمی را در سخنرانی‌های ترامپ بررسی کرد. این استفاده بیشتر از واژه‌های غیر استاندارد و با مهارت زبانی کمتر است، و در بین تمام نامزدها، غیر رسمی بودن مرتبط با تعداد رقابت‌های مقدماتی است، که نامزدها برنده شدند. این نتایج مطابق با تحقیق قبلی بودند، که نشان‌دهنده ارتباط بین فصاحت کلام ساده پویا انتخاباتی و موفقیت در کسب قدرت بود. آموزه کلیدی تطبیق مهارت زبانی فرد با مخاطب بود. اگرچه ما آن‌ها را در اینجا تلفیق کردیم، تحقیق آتی باید دو عنصر غیر رسمی بودن را مجزا سازد که مهارت زبانی و سهولت هستند.

نتایج ما همچنین از استفاده از شاخص جایگزین غیر رسمی بودن، یعنی استفاده از توییتر به عنوان عامل پیش‌بینی کننده موفقیت سیاسی حمایت می‌کنند. در عوض تأخیر مورد نیاز در مشورت دقیق با اعضای پویا انتخاباتی یک نامزد، وی می‌تواند بلافاصله به رویدادهای خبری واکنش نشان دهد. طبق پیش‌بینی‌ها، ترامپ رقبای خود را در استفاده از توییتر پشت سر گذاشت، سبکی که مرتبط با خروجی اولیه موفق در بین نامزدها بود.

توجه کنید که تعداد زیادی از مطالعات قبلی بر روی استفاده از ضمیر اول شخص و موفقیت سیاسی منطبق با نتایج تلفیقی بودند. مطالعه حاضر به نوعی مطلوب تلقی می‌شود: این مطالعه نشان می‌دهد استفاده از ضمیر اول شخص موفقیت سیاسی را پیش‌بینی می‌کند. ما در استفاده از واژه «پیش‌بینی» احساس می‌کنیم توجیه و متقاعد شده‌ایم که با توجه به این موضوع، ما استفاده از ضمیر اول شخص در سه ماه پیش از اعلام نامزدی مشخص

به علاوه، اثر پنج عامل پیش‌بینی ما ظاهراً به کل نامزدهای جمهوری خواه قابل تعمیم بود. جهت کنترل این واقعیت که پویاها می‌توانند جاری و ساری باشند، به محض آنکه نامزدها به بستر عملیاتی یکدیگر واکنش نشان می‌دهند، ما مرحله‌ای را به کار گرفتیم: ما تنها اولین سخنرانی‌های پویا را کدگذاری کردیم و تعداد استفاده از توییتر را نسبت به موارد موجود در طی سه ماه پیش از اعلام نامزدی محدود ساختیم.

• بزرگنمایی (رتبه سخنرانی): صحبت به صورت اول شخص

همان طور که انتظار می‌رفت، داورهای آموزش‌دیده ما (داورهای کور) سخنرانی‌های ترامپ را حاوی بزرگنمایی بیشتر نسبت به سخنرانی رقبای وی رتبه‌بندی کردند. به علاوه، تعداد واژه برگرفته از برنامه (LIWC) نشان‌دهنده ضمیر اول شخص بود. اگرچه حداقل ارتباط بین استفاده از ضمیر اول شخص و معیار پرسش‌نامه استاندارد خودشیفتگی (NPI) مشخص شد، ما ارتباط قوی با بزرگنمایی رتبه‌بندی شده به وسیله ناظر را یافتیم ($r = 0.46, p < 0.001$). رابطه نزدیک‌تر با رتبه‌های ناظر نسبت به (NPI) غافلگیرکننده نیست، زیرا هم استفاده از ضمیر اول شخص و هم بزرگنمایی آشکار برگرفته از لفاظی افراد بودند. مزایای بزرگنمایی با روابط معنادار بین معیارهای خروجی و موفقیت مقدماتی مشخص شدند.

اگرچه ارتباطش با (NPI) مورد سؤال بود، استفاده از ضمیر اول شخص مرتبط با خودشیفتگی ادراکی ناظر به نظر می‌رسد (حداقل، مؤلفه بزرگنمایی). تحقیق آتی می‌تواند به طور مستقیم مقایسه کند، چگونه شاخص‌های زبان‌شناختی بزرگنمایی در ارتباط با سایر معیارهایی با ساخت یکسان هستند. در واقع، «کری» و همکارانش اشاره کردند، که هیچ یک از نمونه‌های آن‌ها شامل گزارشات آگاه‌کننده نبود. در کل، مطالعه

نمودیم. به اختصار، استفاده از ضمیر اول شخص در عوض واکنش به موفقیت سیاسی به سبک غیر رسمی به عنوان یک خصیصه دست می‌یابد.

نتیجه‌گیری

از آغاز پویش فعلی، کارشناسان سیاسی از تمام حوزه‌ها، شانس دونالد ترامپ جهت موفقیت در سیاست را کم دانستند. تا حدی این سو برداشت به دلیل تهدیدهای او بود (برای مثال ساخت دیوار در مرز جنوبی؛ جلوگیری از مهاجرت مسلمانان، انکار و لغو معاهدات تجاری).

مطالعه حاضر نشان داد که سبک ارتباطی پوپولیستی یعنی بزرگنمایی، پویایی و روند غیر رسمی ممکن است، بستری را مغلوب سازد که با دقت نتیجه‌گیری شده است. در اطلاعات ما، تلفیق تمام این عوامل R² تعیین شده معادل ۰,۷۱ را در پیش‌بینی موفقیت نشان داد.

مطالعه ما همچنین کاربردهای کلی برای تحقیق بر روی استنباط فرد دارد. با تأیید از سوی بدنه عظیمی از تحقیقات قبلی، ما دریافتیم که ارزیابی‌های شخص، رابطه قوی‌تری با اطلاعات غیر مستقیم و غیر کلامی دارند، نظیر کیفیت و ویژگی صدا و استفاده از واژه. عوامل مرتبط با سبک ممکن است دارای بیشترین اثر باشند؛ زیرا پردازش آن‌ها نیازمند تلاش کمتری نسبت به تحلیل مالیاتی بسترهای پیچیده سیاسی است. این که این رفتارها راهکارهای آگاهانه هستند یا عادات غیر ارادی را نمی‌توان در اینجا پاسخ داد.

محدودیت‌ها

مطالعه ما، اگرچه به موقع است، اما فارق از محدودیت نیست. اولاً، نتیجه‌گیری‌های ما با این حقیقت محدود می‌شوند که ما تنها به رقابت‌های مقدماتی حزب جمهوری خواه پرداختیم. امکان دارد که رأی‌دهندگان جمهوری خواه، به خصوص نسبت به بزرگنمایی و غیر رسمی بودن واکنش نشان دهند. در انتخابات امسال، نامزدهای دموکرات محدود به

سه نفر بوده، و دینامیک امر به شدت تفاوت داشت. تحقیق مشابهی باید در انتظار انتخاباتی با حضور نامزدهای بیشتر دموکرات باشد.

مطالعات آتی باید نگاهی به انتخابات عمومی و رقابت‌های مقدماتی داشته باشند. امکان دارد که جهت بردن رقابت‌های مقدماتی، فرد باید شخصیت غیر رسمی‌تر و بزرگنمایی شده بیشتری را تبیین کند. مورد عکس ممکن است در انتخابات عمومی نیاز باشد.

بی‌تردید، توان آماری با وجود نه رقیب سرسخت محدود شد، که در مجموع نه نامزد برتر را در تاریخ اکتبر ۲۰۱۵ تشکیل دادند. اما هیچ یک از سایر نامزدها در رقابت‌های مقدماتی ایالتی برنده نشدند. از سوی دیگر، قدرت ما با اندازه اثر برآوردی بیشتر افزایش یافت: که انتظار از تفاوت شدید بین ترامپ و سایر نامزدهای جمهوری خواهان بود. اگرچه سایر عوامل محدودکننده معرفی خواهند شد، مطالعه آتی می‌تواند قدرت را تا حدی با لحاظ نمودن نامزدها از انتخابات قبلی افزایش دهد، تا توان و تعمیم‌پذیری را بالا ببرد.

در نگاهی به گذشته، برخی ناظران ممکن است استدلال کنند که مشخصه مدنظر ما از سبک ارتباطی ترامپ بدیهی است. با این حال، ما حال این نهادها را به شکل تجربی تأیید می‌کنیم. در عین حال نشان دادیم، چگونه آن‌ها در ارتباط با موفقیت نامزد در رقابت‌های مقدماتی جمهوری خواهان بودند. پیش از مشخص شدن نتایج رقابت‌های مقدماتی، ممکن است پیش‌بینی شود که کیفیت‌ها و مشخصه‌هایی همچون بزرگنمایی، زبان ساده شده و فعالیت گسترده در توییتر موفقیت را دچار اشکال خواهند ساخت. در این راستا، اشاره به این مطلب اسباب زحمت خواهد بود که راهکارهای سؤال برانگیز پویش انتخاباتی ممکن است، حاکی از رهبران سیاسی در دسرساز باشند.

مدیریت

شماره ۲۹
فروردین ۹۶

۷۴